سرمقاله

ضرورت گسترش و معیاری سازی خدمات صحی

مهدی مدبر

ارائه خدمات صحی در افغانستان در یک و نیم دهه گذشته رشد چشمگیر و بی سابقه داشته است و با سالهای قبل از سقوط گروه طالبان غیر قابل مقایسه است، اما هنوز عرصه‌ی صحت در کشور با چالش ها و مشکلات فراوان مواجه است. وارد کردن دواهای بی کفیت و عدم کنترول آن، کمبود مراکز صحی در برخی ولایت ها و ولسوالی ها و غیرمعیاری بودن خدمات صحی از مشکلات عمده در بخش صحت است.

بخش صحت افغانستان همانند بخش آموزش، با سرمایه گزاری های خصوصی تقویت شده و گسترش یافته است. اکنون دهها شفاخانه خصوصی در کشور فعالیت دارد و همچنان دهها شرکت خصوصی از خارج از کشور، دوا وارد می کنند. اما حکومت افغانستان تا کنون نتوانسته بود بر دواهای وارداتی و ارائه خدمات صحی معیاری توسط شفاخانه های شخصی، نظارت جدی داشته باشد و آنها را کنترول کند.

اقدام اخیر وزارت صحت عامه کشور و ممنوع کردن واردات دوای ۹۰ شرکت خارجی به دلیل پایین بودن کیفیت و قرار دادن نام ۱۹ شرکت خارجی دیگر در لیست سیاه برای بررسی بیشتر محصولات صحی آنها، یک امر ضروری بود و برای معیاری سازی بخش صحت با اهمیت است. انتظار می رود که این وزارت با جدیت این تصمیم را عملی سازد و بتواند در راستای عملی سازی آن از سد مافیای دوا و شبکه های فساد بگذرد.

شهروندان کشور همواره از معیاری نبودن خدمات شفاخانه های دولتی و خصوصی و همچنان پایین بودن کیفیت دوا و سایر محصولات صحی وارداتی، شکایت کرده اند، اما تا کنون مسئولان بخش صحت به این امر توجه نکرده بودند و برنامه‌ی جدی برای کنترول کیفیت دوا و نظارت از شفاخانه های کشور، نداشتند. دوای بی کیفیت و تاریخ گذشته، عملا حیات شهروندان کشور را با خطر مواجه می سازد و مسئولیت وزارت صحت عامه است که با نظارت جدی بر خدمات صحی و میعاری سازی آن، این خطر را رفع کند.

با وجود همه‌ی پیشرفت ها در بخش صحی، هنوز ارائه خدمات صحی در کشور نسبت به سایر کشورهای جهان در سطح پایین قرار داد و مطابق معیارهای بین المللی نیست. حکومت افغانستان باید با کمک نهادهای همکار بین المللی در راستای افزایش ارائه خدمات صحی به شهروندان و معیاری سازی آن، توجه کند.

از سوی دیگر، بخش صحی کشور نیز توسعه‌ی متوازن نداشته است و ولایت ها و ولسوالی های دور افتاده از عدم دسترسی به خدمات اولیه‌ی صحی رنج می برند. در بسیاری از ولایت ها و ولسوالی ها، شفاخانه ها و کلینک های مجهز و داکتران متخصص وجود ندارد و مردم را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. مردم در ولسوالی ها و روستاهای دور افتاده برای تدوای مریض های شان مجبور هستند که مسیرهای طولانی را بپیمایند و به کابل و سایر شهرهای دیگر مراجعه کنند. این کار مصارف زیادی را بر آنها تحمیل می کند که با توجه به وضعیت دشوار اقتصادی، مشکلات آنها را افزایش می دهد.

دسترسی به خدمات صحی از حقوق اولیه‌ی تمام شهروندان کشور است. حکومت افغانستان مسئولیت دارد که زمینه ارائه خدمات صحی معیاری را برای شهروندان در تمام نقاط کشور فراهم کند. کوتاهی و بی عدالتی در این زمینه به معنای محروم کردن بخشی از مردم افغانستان از حقوق شان خواهد بود و حق صحت را از آنها خواهد گرفت.

حکومت افغانستان در کنار اینکه باید بصورت جدی تلاش کند تا خدمات صحی را مطابق معیاری های جهانی سازد و کنترول و نظارت شدید بر واردات محصولات صحی و ارائه خدمات صحی توسط شفاخانه های دولتی و خصوصی داشته باشد، باید به توسعه و گسترش خدمات صحی در ولایت ها و ولسوالی های دور افتاده نیز توجه کند.

توسعه‌ی خدمات صحی و ساختن شفاخانه های مجهز و استخدام داکتران مختصص برای مناطق دور افتاده، از ضرورت های بخش صحت کشور است. توجه در این زمینه می تواند مشکلات بسیاری از مردم مناطق دور افتاده‌ی کشور را حل کند و جان بسیاری از مریض ها را نجات دهد.

جنگ نرم علیه طالبان

نسیم ابراهیمی

برای مقابله با گروه طالبان، تنها جنگ با اسلحه کافی نیست. طالبان تنها با توپ و تانک نابود شدنی نیستند. چنین استراتژی مقابله با طالبان، نه راه حل واقعی به‌نظر می‌رسد و نه هم واقعبینانه. همانگونه که در جریان بیش از یک‌ونیم دهه، بسیج نیروهای جنگی خارجی و داخلی، نتوانستند که طالبان را از بین ببرند، اکنون نیز تنها جنگ با سلاح گرم و چرخیدن بر محور صلح با گروه طالبان، راه حل نیست و نمی‌تواند که این گروه را از کوه‌پایه‌ها به دور میز مذاکره بکشاند و آن‌ها را وادار سازد تا سلاح از شانه‌های‌شان بر زمین بگذارند. لازم است تا راههایی که حیات فکری ــ نظامی این گروه را تامین می‌کند، شناسایی کرد و مقابله با آن را در پیش گرفت. تا هنوز اگر بقای طالبان به ضعف راههای مقابله با آن گروه از سوی حکومت نبوده، قدرت نظامی طالبان هرگز دلیل تداوم آن بوده نمی‌تواند. آنچه که در ادامه این یادداشت برشمرده می‌شود، می‌تواند بیان برخی از نقاط قوت گروه طالبان و ضعف حکومت در مقابله با آن باشد.

یکم -درآمد دینی؛گروه طالبان همانگونه که نامی را با ارزش و تقدس«دینی» بر خود نهاده اند، همانگونه تاهنوز از آنبه خوبی بهره برده اند.این گروه با تعریف ایدئولوژیک از جنگ خود، هم منبع عایداتی و هم حیات فکری را در پایگاه‌های سنتی خویش حفظ کرده است. اکنون بخشی از منابع عایداتی و هزینه‌ی جنگ این گروه، از راه مالیات مردم، تامین می‌شود. در جاهایی که آنها نفوذ گسترده دارند، مردم محل بدون مقاومتمالیات دینی خود را برای این گروه می‌پردازند و پرداخت آن را از الزامات عقیدتی خود می‌دانند؛ در ساحاتی که نفوذ کمتر دارند، این کار را با زور اجرا می‌کنند. تبلیغات ایدئولوژیک گروه طالبان از جنگ‌شان گسترده و قوی است، طوری‌که در برخی مناطق به افراد کشته‌شده‌ی این گروه در جنگ با نیروهای امنیتی به دیده‌ی تقدس نگریسته می‌شود. این قوت فکری طالبان منحصر در پایگاه‌های سنتی طالبان نمی‌شود، بلکه تا هنوز در میان حکومتی‌ها نیز به گروه طالبان، به‌عنوان «طالب» مدرسه‌ی دینی نگریسته می‌شود. چنانچه، باری رییس‌جمهور کنونی کشور در یکی از سخنرانی‌های خود در شورای ملی که به هدف بازتعریف دشمن حرف می‌زد، از گروه طالبان نه به عنوان یک جریان سیاسی ــ نظامی، بلکه به‌عنوان «طالبان» مدرسه‌ی دینی یاد کرد. چنین طرز دید نسبت به طالبان به پایگاههای آن‌ها قوت بخشیده و آنها را قویتر ساخته و راههای سربازگیری و تمویل مالی از مجرای واجبات دینی را برای‌شان هموارتر ساخته است. از سویی هم، فضای موجود «غرب هراسی» در میان بخش‌های مختلف جامعه، از جمله روستاها، زمینه‌ی سربازگیری و تمویل مالی این گروه را بیشتر ساخته است. اما مسوولان حکومت، تاکنون در این زمینه، جدی عمل نکرده اند.گروه طالبان، صرفا گروه ایدئوزیک دینی ــ مذهبی نیستند که در برابر حکومت می‌رزمند.آن‌ها منفعت جنگی و اقتصادی خود را در تعریف ایدئولوژیک جنگ‌شان می‌دانند.

در ضمن، طالبان با توجه به تعریف بنیادگرایانه و افراطی از دین جنگ را به پیش می‌برند، اما حکومت برنامه‌ی خاصی برای مقابله و مهار بنیادگرایی دینی روی دست نداشته/ندارد. سنجش راه‌های مقابله با بنیادگرایی و خلق برنامه منسجم برای آن، می‌تواند که پایگاه‌های اجتماعی طالبان را به مخاطره بیاندازد و از سربازگیری و تمویل مالی این گروه از مجرای باورهای دینی، جلوگیری کند.

دوم - درآمد اقتصاد مافیایی؛ اقتصاد مافیایی، محصول تجارت مواد مخدر، استخراج معادن، اخاذی و اختطاف افراد، بخش عمده عایدات گروه طالبان به حساب می‌آید. با توجه به جغرافیایی کنونی جنگ در کشور، ناامنی‌های بیشتر در همان مناطقی رو به افزایش است که گروه طالبان از آن بیشتر نفع می‌برند. به‌گونه‌ی نمونه می‌توان از جنگ هلمند، کندز و بدخشان و همچنان برخی از شاهراهها یاد کرد. این ولایت‌ها که بیشترین جنگ در آن وجود دارد، با توجه موقعیت جغرافیایی، بیشترین میزان سود برای گروه طالبان را دارد. بر اساس گزارش‌های رسمی، گروه طالبان در هلمند و جاهای دیگر، دهقان‌ها را وادار به کشت خشخاش می‌کنند و بر آن مالیات نیز وضع می‌کنند. این روش گروه طالبان برای آن‌ها، منفعت مضاعف دارد؛ از یک‌سو از مالیات آن از مردم سود می‌برد و از سوی دیگر از تولید، پروسیس و قاچاق آن سهم می‌گیرند. چنانچه ملا اختر منصور، رهبر پیشین گروه طالبان،در تجارت مواد مخدر، به‌طور مستقیم دست داشت. مدارای دولت با قاچاق‌چیان و تاجران مواد مخدر و عدم برخورد جدی با آن‌ها و به‌خصوص آن‌هایی که با هم‌بستگی گروه طالبان این تجارت را به پیش می‌برند، باعث شده تا طالبان ریسک بیشتری را در این قبال بکنند. تا هنوز موردی نشده که حکومت یک قاچاقچی مهم و کلیدی را علنی محاکمه کند. چنین چیزی در مورد معادن نیز وجود دارد. افراد غیرمسوول در هماهنگی با گروه طالبان استخراج معادن را به پیش می‌برند و آن را به بیرون از کشور می‌کشانند و بعدا به‌طور رسمی با آن تجارت خود را به پیش می‌برند. در این بخش، بی‌برنامگی دولت همین بس که بیش از ۱ سال می‌شود، وزارت معادنش تا هنوز وزیری ندارد و از سوی سرپرست اداره می‌شود. یکی از راه‌های مقابله با تمویل طالبان از طریق اقتصاد مافیایی، همان‌گونه که کارشناسان باور دارند، برخورد قانونی و به دام انداختن قاچاقچیان مواد مخدر همسو با طالبان، پنداشتن جرم و جزای سنگین در برابر کسانی که مواد مخدر را کشت، قاچاق و تولید می‌کنند می‌باشد و نیز وضع محدودیت در برابر تجارت محصولات زیرزمینی در بیرون از کشور. آگاهان می‌گویند انحصار و مشخص ساختن برندهای خاص برای محصولات معادن افغانستان و معرفی آن‌ها به کشور و هم‌چنان ممنوع قراردادن تجارت محصولات معدنی افغانستان در بیرون از کشور به این دلیل که از آن در تداوم جنگ استفاده می‌شود، می‌تواند شیره‌ی اقتصادی گروه طالبان را بخشکاند.

عدم برخورد جدی با استخراج کنندگان معادن، باعث شده تا افراد غیروابسته به گروه طالبان نیز از آن بهره ببرند و با طالبان همکاری کنند و این‌گونه چاقوی طالبان را تیزتر کنند. این یک واقعیت است که منفعت برخی از گروه‌ها و افراد در تداوم جنگ رقم خورده است و از این طریق می‌توانند منفعت خود را تامین و جنگ را تداوم بخشند. استخراج معادن در گذشته،همچون دوران مجاهدین نیز در برخی از نقاط کشور در تامین جنگ، نقش بازی کرده است.

سوم تامین طالبان از منابع عایداتی دولت؛ گروه طالبان راه‌هایی مختلفی را برای بقای خود تجربه کرده‌اند و بدون هیچ‌باکی منبع عایداتی برای خود جست‌وجو می‌کنند. یکی از این راه‌ها پاگذاشتن روی منابع عایداتی دولت است. طالبان از این طریق می‌توانند که هم درآمد دولت را به چالش بکشد و هم نارضایتی‌ها در برابر حکومت را افزایش دهد. چنانچه، رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند که طالبان از طریق جمع‌آوری صرفیه برق در ولایت‌های هلمند، کندز و غور، درآمدهای میلیونی را نصیب می شوند. طالبان با این کار خود دقیقا ۲ هدف را به پیش می‌برند، یکی ضربه‌ی مالی به دولت و دیگر اینکه در صورت تحرک دولت در این مورد، نارضایتی و مقابله علیه دولت را افزایش می‌دهد. به گونه‌ی نمونه، اگر دولت برق مردمی را که صرفیه برق‌شان را طالبان اخذ کرده‌اند قطع کند، بدون شک آن‌ها در جمع ناراضیان دولت می‌پیوندند. دولت باید حاکمیت خود را در این ساحات حفظ کند تا طالبان نتوانند پول برق را از مردم جمع آوری کند.

چهارم - لابی‌گری‌ها سیاسی طالبان؛ یکی از دلایل اصلی بقا و قوت گروه طالبان در این مدت، موجودیت لابی‌های طالبان می‌باشد. در نبود راه‌های مبارزه جدی و تضعیف گروه طالبان از سوی حکومت، این گروه تاکنون توانسته که موقف بالایی برای خود دست‌وپا کند. بنا به گزارش ها، تحریم‌ها و وضع محدودیت‌هایی که سازمان ملل در قبال طالبان داشته، حکومت افغانستان نتوانسته و یا نخواسته آن را جدی پیگیری و آپدیت کند. در سال‌های اخیر، تلاش حکومت افغانستان تنها بر مصالحه با طالبان بدون هیچ دست‌آوردی بوده است. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، شورای امنیت این سازمان در زمان حاکمیت این گروه به دلیل حمایت‌هایش از سازمان القاعده تحریم‌ها و ممنوعیت سفر برای اعضای این گروه وضع کرد و بعد ها چگونگی عملی سازی این تحریم ها به حکومت افغانستان واگذار شد و حکومت افغانستان آن را نه شدت بخشید و نه عملی کرد.

شامل‌سازی سران طالبان در لیست سیاه سازمان ملل و تحریمات این سازمان می‌تواند که محدودیت های بیشتری بر تامینات مالی و اعضای این گروه، وارد کند. اما به نظر می‌رسد که حکومت افغانستان نمی‌تواند که چنین تلاش‌ها را عملی بسازد. تنها در تابستان همین سال رییس‌جمهور غنی خواستار اضافه شدن نام ملا هبت‌الله رهبر گروه طالبان در لیست سیاه سازمان ملل متحد شد، اما پس از آن گزارشی وجود ندارد که این نام در لیست سیاه و تحریمات سازمان ملل متحد افزوده شده باشد. آگاهان معتقد به این هستند که نبود محدودیت جدی در قبال چهره‌های طالبان، به آن‌ها جرأت داده تا بیرون از کشور به کارهای سیاسی و تجاری خویش ادامه دهند و منافع طالبان را تامین نمایند.

با توجه به این نکات، لازم است که برای مقابله با طالبان راه‌های گذشته را نباید پیمود و تنها کوبیدن بر میز مذاکره و رفتن با اسلحه به دنبال طالبان در مغاره‌های کوه، راه حل واقعی پایان جنگ و جلوگیری از کشتار مردم نیست.

مهاجرت؛ گزینه‌ی برای جهانی شدن

طالب حسین صمیم

دنیای معاصر رو به جهانی شدن است، حتی آمال های انسانی از شکستن مرزهای جغرافیایی خبر میدهد. این فرایندها جوامع انسانی را از بیخ و بن دگرگون می سازد. یکی از مؤلفه های اساسی در دگرگونی های جهانی شدن دنیای معاصر، تنوع قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی است که توسط رسانه ها، روابط اقتصادی و پدیده مهاجرت بوجود می آید. از این رهگذر اما، همه‌ی انسان ها درجوامع انسانی، با کسانی در تماس خواهند شد که طرز فکر متفاوت، فرهنگ متفاوت، ارزش های اجتماعی متفاوت و نگرش متفاوت دارند.

این یک شگون نیک و انسانی است؛ اگر تمامی جوامع بشری از دید قدر و احترام به کثرت و تنوع قومی، نژادی و فرهنگی بنگرند؛ یا اکثر جوامع انسانی به این موضوع تأمل نمایند که چگونه می توان جامعه ای را خلق کرد که ماهیت جهان - شهری و جهان - شمولی داشته باشد. آنگاه، مهاجرت یکی از گزینه های بهتر در کنار سایرغایات جهانی شدن، برای تحقق آرمان جهانی شدن در حیات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در جوامع انسانی خواهد بود.

مهاجرت و پناهندگی یکی از ویژگی‌های شاخص و اجتناب‌ناپذیر حیات بین‌المللی محسوب می گردد. انسان‌های زیادی به علل گوناگون موطن اصلی خود را ترک گفته و در جستجوی زندگی بهتر و آرام‌تر راهی سرزمین‌های دیگر شده‌اند. در عصر حاضر در گستره‌ی خاورمیانه وجود جنگ و بحران در کشورهای همچون افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین و کشورهای آفریقایی موجب ورود خیلی عظیم آوارگان از این کشورها گردیده است؛ ولی در مقابل کشورهای مهاجر پذیر و ثروتمند رویه های سخت گیرانه ای را در قبال آنها اعمال کردند.

کشور های ثروتمند، بر لزوم جلوگیری از تقاضای پناهندگی نباید تاکید نمایند؛ زیرا با این عمل، موانع عمده ای را برای تنوع نژادی، قومی و فرهنگی ایجاد می کنند. از آنجای که پلورالیسم نیز یکی دیگر از مولفه های حیاتی جهان واحد یا جهانی شدن است. مهاجرت در امرجهانی شدن بر تحقق پلورالیسم تاثیر زیادی خواهد داشت؛ اگراهداف و آمال انسانی برای ایجاد»جامعه ایده آل»محرک دومی برای جهانی شدن باشد، حقوق مهاجران آواره و سرگردان به دنبال نان و مسکن، معیشت و رفاه، باید در ابعاد مختلف حیات اجتماعی، در نظر گرفته شود.

جهانی شدن نه تنها در جهان معاصر، بلکه ریشه های عمیق تئوریک آن را بیشتر از دوهزاروچهارصد سال پیش در الگوی یونانی می توان دید که دو نمونه‌ی باور به جامعه‌ی ایده آل وجود داشت؛ یکی الگوی افلاطونی که دارای وجهه ی مونیستی یا وحدت گرایی است و دیگر الگوی ارسطویی که دارای وجهه ی پلورالیستی یا کثرت گرایی می باشد.

درالگوی افلاطونی، جامعه برای تامین نیازهای اولیه‌ی خود به وجود آمده است که در آن هیچ‌گونه نزاع و درگیری وجود ندارد. اما در الگوی دومی، ارسطو معتقد است که عدم قناعت و سازگاری با وضعیت موجود، سبب به وجود آمدن شرایطی بحرانی می شود که از درون آن حرص در نهاد بشر بوجود می آید و باعث می شود که فزونی تقاضا برعرضه بوجود آید. در این صورت پامال شدن حقوق دیگران در همچون شرایطی حتمی است.

اما بحث پامال شدن حقوق مهاجران و پناهجویان تنها دراین نیست؛ زیرا عوامل مهاجرت در جهان معاصر تنها ناسازگاری و عدم قناعت با شرایط زندگی و وضعیت موجود در کشور مبداء یا آبایی مهاجران و پناهجویان نیست؛ بلکه جنگ های خانمان سوز، زندگی زیرخط فقر، نبود امنیت یا تهدیدهای امنیتی و دهها مورد دیگر می توانند بر انگیزه ترک کشور و پناهنده شدن آنان، تاثیر گذار باشد.

این همه انسان که در دریاها غرق می شود، تعدادی هم در اردوگاه های پناهجویان از نبود امکانات زندگی در رنج قرار دارند، عده ی هم به اجبار اخراج می شوند، خمی به ابروی پالیسی سازان جهان نیاورده است. کشور های مهاجر پذیر اگر سیاست سرکوبگرانه‌ی خود را تا چند سال دیگر ادامه دهند، وضعیت بحرانی تر از تصور خواهد شد؛ زیرا پدیده مهاجرت، یگانه گزینه ای است که از طریق آن نوسانات و عدم تعادل در حیات انسانی مهار شدنی است.

سیاست های سخت گیرانه خصوصا برای کشور هایی که حالت قبیلوی دارند و مظاهر اجتماعی آنان با فقر، کشتار، تضاد های زبانی و مذهبی، قومی و منطقه ای مشخص می شوند، عواقب خوب نخواهد داشت. همان قسمی که اقلیت های قومی در جامعه قبیلوی در ساخت و بافت های کاری و شغلی کشور شان سهم کمتری دارند، همانگونه آسیب پذیرتر از دیگران اند. زخم این آسیب ها، با مهاجرت مرحم نسبی می شود؛ اما در شرایط کنونی به جز کشور کانادا سایر کشور های مهاجر پذیر در امید را به روی مهاجران بسته اند.

از طرف دیگر، برخورد های خشن مسئولین بازداشتگاه های پناهجویان در اکثر اردوگاه های کشور های مهاجر پذیر، مغایر اخلاق انسانی است. در عصری که همه چیز روبه جهانی شدن است، اما اخلاق انسانی به عنوان یکی از عوامل تسریع کننده جهانی شدن وجود نداشته باشد، جهانی شدن، خود دچار آسیب می شود.

تداوم این روند و سیاست های سرکوبگرانه ی کشور های مهاجر پذیر بر روحیه مهاجران آسیب می رساند؛ همان قسمی که یکی از روان شناسان، در بازدید از اردوگاه های پناهجویان مالیزیا و اندونیزیا گفته است که اکثر این مهاجران تروریست های خطرناک خواهند شد، موضوعی است که عواقب ناگوار آن از همین حالا برای دنیا فرستاده شده است.

در این کشورها تعدادی از پناهجویان در درون کمپ‌ها و بیرون از کمپ‌ها به علت بی‌سرنوشت ماندن، سلامت روانی‌شان را ازدست‌داده اند. فشارهای روانی و افسردگی، از دست دادن زمان و پول و موضوعاتی از این قبیل باعث شده است که مهاجرانی که در اندونیزیا بسر می برند؛ درونگران شوند و افسردگی بگیرند. بحران درون‌گرایی و افسردگی مهاجرین تبدیل به اساسی‌ترین بحرانی شده که فعلا مهاجرین با آن مواجه‌اند.

این مساله نه تنها عده‌ی را دچار مشکلات روحی روانی نموده بلکه عامل عمده‌ی خودکشی‌ها نیز به حساب می آید. تعدادی از مهاجران به دلیل مایوس بودن و نامعلوم بودن نتیجه کارشان و یا ترس از برگشت دادن، دست به خودکشی زده و خود را حلقه آویز نموده است. حملات قلبی و درمجموع مرگ‌های نا به هنگام در میان پناهجویان رو به افزایش است و وضعیت را بیشتر از پیش رو به وخامت برده است.

اگر کشور های مهاجر پذیر کمی در مورد پدیده مهاجرت توجه کنند که از طریق آن بتوانند در کنار رسانه ها به عنوان عاملی تنوع نگرش ها، جهان بینی ها و تنوع فرهنگی استفاده کنند، نه تنها که بحران مهاجرت از جهان رخت برمی بندد؛ بلکه اخلاق انسانی در دهکده رویایی جهانی شدن نیز نسج خواهد گرفت.

کارتون روز

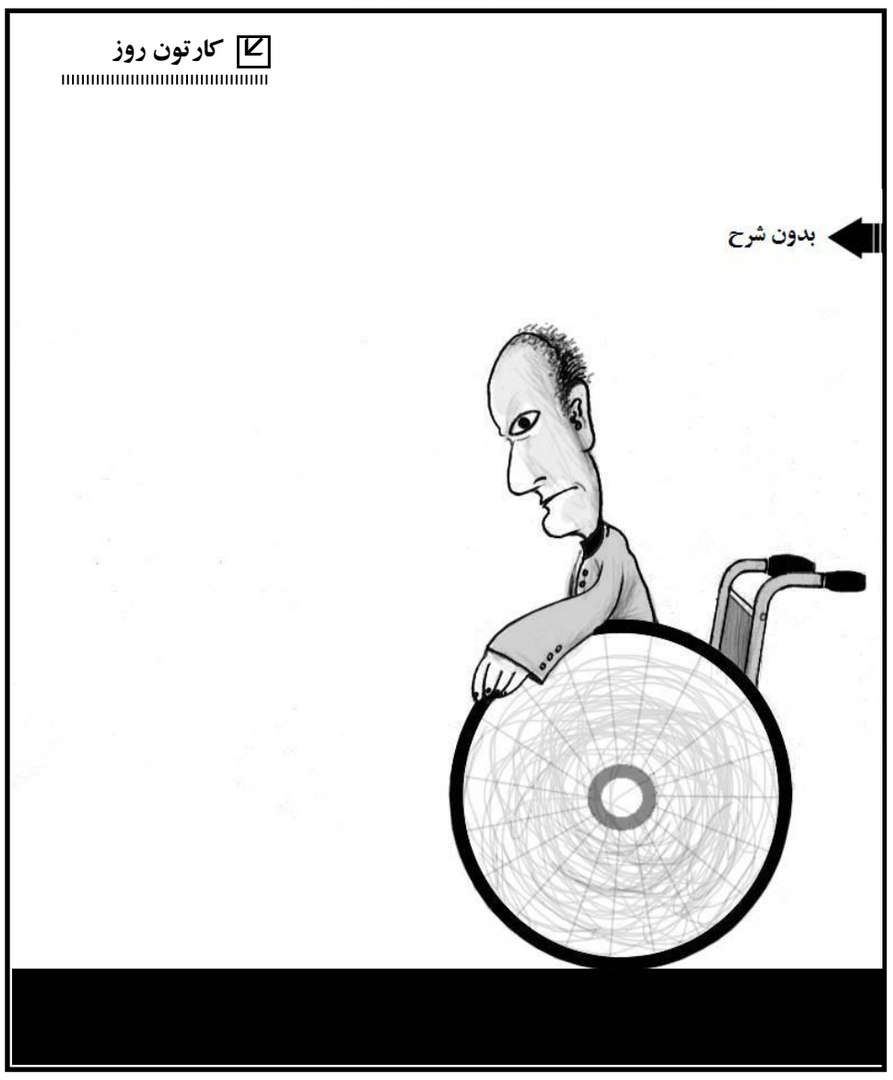

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑ بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com